

دیاسپورای ارمنی: فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی ایران

اکبر ولی‌زاده^۱

استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

شیوا علی‌زاده

دانشجوی دکتری مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۸ - تاریخ تصویب: ۹۴/۲/۲۰)

چکیده

ارامنه ایران از سویی بخشی از جمعیت دیاسپورای ارمنی پراکنده در جهان به شمار می‌روند و میهنی نمادین به نام ارمنستان دارند. از سوی دیگر، تقریباً در هیچ دوره‌ای از تاریخ، سرنوشتی جدا از سایر ایرانیان نداشته‌اند و ایران میهن واقعیشان به شمار می‌رود. آنان به مثابه یکی از اقوام ایرانی، در بسیاری از تحولات کشورمان، به‌ویژه از اواخر قرن نوزدهم به بعد، نقش برجسته‌ای داشته‌اند. امروز نیز باید بستر لازم برای نقش‌آفرینی این مردم و بهره‌گیری از توانمندی‌های آنان در جهت حل مشکلات داخلی و خارجی کشور فراهم باشد. در این نوشتار تلاش شده است به این سؤال پاسخ گفته شود: «حضور دیاسپورای ارمنی در ایران چه فرصت‌ها و تهدیدهایی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد؟» فرضیه اصلی مقاله این است که حضور بخشی از جمعیت دیاسپورای ارمنی در ایران با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این گروه در سطح جهان، فرصت‌هایی را در عرصه سیاست خارجی و داخلی برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان می‌آورد که اهمیت آن‌ها به مراتب بیش از تهدیدهای احتمالی است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع می‌پردازد.

واژگان کلیدی

ایران، داشناک، دیاسپورا، کشورهای میزبان، گریگوری، لابی، هایاس.

مقدمه

ارامنه پیوند خاکی کهن سابقه‌ای با ایران دارند. بخشی از آنان همواره در سرزمین کنونی ایران زیسته‌اند و بخشی دیگر در طول پانصد سال گذشته به دلایل گوناگون راه ایران را در پیش گرفته‌اند. آنان از اقلیت‌های تأثیرگذار در عرصه‌های گوناگون در طول تاریخ ایران به‌ویژه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بوده‌اند. ایران حداقل در یک قرن اخیر و شاید بیشتر، تنها همسایه غیرمتخاصم ارامنه بوده است. هر چند ارامنه ایران، بخشی از جامعه بزرگ دیاسپورای ارمنی در سراسر جهان به شمار می‌روند، به دلیل وضعیت تابعیتشان، از نظر حقوق بین‌المللی و در خارج از کشور ایرانی شناخته می‌شوند. شمار زیادی از ارامنه ساکن اروپا و آمریکا نیز از ایران مهاجرت کرده‌اند و پیوندهایشان با این سرزمین قطع نشده است. امروزه، با توجه به تعدد بازیگران نقش‌آفرین در سیاست داخلی و بین‌المللی و پایان یافتن انحصار بازیگران دولتی در این عرصه‌ها، جوامع دیاسپورایی، به‌ویژه از نوع منسجم و سازمان‌یافته، فرایند سیاستگذاری را در کشورهای میزبان و نیز میهن خود تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این نوشتار، پس از طرح چارچوب نظری با مفهوم دیاسپورا و چگونگی عملکرد لابی‌های دیاسپورایی، به دیاسپورای ارمنی و جایگاه آن در کشورهای میزبان می‌پردازیم. سپس، با ویژگی‌های ارامنه ایران و نقش و جایگاهشان در کشور از گذشته تا امروز آشنا می‌شویم و در پایان به فرصت‌ها و چالش‌هایی اشاره می‌کنیم که در نتیجه حضور دیاسپورای ارمنی و تعامل با آنان پیش روی ایران قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری

به نظر می‌رسد سازه‌انگاری رویکرد مناسبی برای تبیین چگونگی شکل‌گیری و تثبیت هویت قومی و نیز چگونگی تداوم یا تغییر آن باشد. سازه‌انگاری به منظری فلسفی اطلاق می‌شود که بر اساس آن تمامی دانش‌ها و نیز پدیده‌های انسانی برساخته شده‌اند و این برساختگی به گونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین ذهنی است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۴). سازه‌انگاران معتقدند واقعیت اجتماعی در جریان تعامل ساخته می‌شود. روابط اجتماعی ما را به آنچه هستیم تبدیل می‌کند. رفتار، تحت تأثیر ساختارهای بینذهنی است و نه ساختارهای مادی (Zehfuss, 2004: 14, 19-20).

مباحث هویتی در کانون رویکرد الکساندر ونت قرار دارد. به زعم ونت، هویت‌ها را نمی‌توان به شکل ماهوی یعنی جدا از بستر اجتماعی آنها تعریف کرد. آنها ذاتاً اموری رابطه‌ای‌اند و باید مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که کنشگر با در نظر گرفتن دیگران به عنوان

ابژه اجتماعی به خود نسبت می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۳۳، ۳۳۲). سازه‌انگاری آرمانی^۱ بنیان‌های خرد روان‌شناسی اجتماعی را با تأکید سازه‌انگاری بر اهمیت ارزش‌ها و ایده‌ها در شکل‌دادن به ساختارهای اجتماعی و منافع ترکیب می‌کند. نیاز روانی به عزت نفس جمعی دربرگیرنده نیاز به ارزش‌مند بودن و مؤثر بودن است. این نیاز هنگامی که فرد بخشی از گروهی باشد که آن را متمایز با دیگر گروه‌ها می‌داند و ارزیابی مثبتی از آن دارد رفع می‌شود. منابع اصلی عزت نفس جمعی خاطرات بیناذهنی از گذشته «خود» ملی و آرزوهایی است که برای آینده وجود دارد. نخبگان سیاسی می‌توانند هویت ملی را از طریق ساختن و بازسازی تصویر «خود» ملی معرفی کنند (Chunan, 2012).

بر اساس دیدگاه سازه‌انگاری، هویت‌های قومی در جریان فرایندی از تبادل معنا میان اعضای گروه قومی و غیریت‌سازی با برون‌گروه‌ها اهمیت می‌یابد و تشدید می‌شود. سازه‌انگاران، ناسیونالیسم یا ناسیونالیسم قومی را امری ساخته و پرداخته‌شده در جریان فرایندی از تبادل معنا در میان اعضا در نظر می‌گیرند. سازه‌انگاری روابط و تعاملات میان اعضای گروه را عامل اصلی در حل و فصل هویت‌های قومی و برساخته‌شدن آن به‌شمار می‌آورد. زبان، مذهب، آداب و رسوم و سایر شناسه‌های فرهنگی و حتی جسمانی یک گروه مجموعه‌ای از منابع یا ذخایر را در اختیار اعضای گروه قرار می‌دهد تا بر پایه آن در شرایط خاصی که قرار دارند هویتی قومی یا ملی برای خود بسازند. مردم از میان مجموعه مؤلفه‌های هویتی‌ای که در اختیار دارند گاه بر هویت‌های قومی خود تأکید می‌کنند و این البته به وضعیت‌های اجتماعی خاصی یا شرایط سیاسی و اقتصادی نیز بستگی دارد. سازه‌انگاری اجتماعی قومیت را ماهوی نمی‌پندارد، بلکه ساخته‌شده در جریان تعامل اجتماعی میان افراد می‌داند و تأکید خاصی بر اهداف یا انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی در شکل‌گیری هویت قومی ندارد (سیدامامی، ۱۳۸۷: ۱۵، ۲۴ و ۲۵). هنگامی که هویت‌های نسبتاً باثبات ایجاد شود، بازیگران احتمالاً در حفظ آن سهم خواهند داشت و این هویت تثبیت‌شده رها نمی‌شود مگر اینکه منافع حاصل از کسب هویت جدید بیش از منافع حفظ هویت قدیمی تصور شود (Zehfuss, 2004: 56).

ارامنه در دورانی طولانی از تاریخ از حاکمیت سیاسی محروم ماندند، اما هویت قومی آنان در زمان سیطره قدرت‌های اشغالگر و در جریان مهاجرت‌ها نه تنها دچار زوال نشد، بلکه تقویت هم شد. قرارگرفتن در میان همسایگان غالباً متخاصم و بنابراین حضور «دیگری» قدرتمند و تلاش برای بقا در میان دشمنان به تداوم این هویت کمک کرده است. مذهب گریگوری و زبان ارمنی به سنگ‌بنای تمایز هویتی ارامنه تبدیل شد. امروزه، نیز برای ملتی که نزدیک به دوسوم آنان در خارج از وطن خود زندگی می‌کنند، هویت قومی ارمنی از اولویت

1. Aspirational

زیادی برخوردار است. آرامنه معمولاً در هر کجای جهان باشند پیرامون هویت ارمنی و منافع مترتب بر آن، سازمان می‌یابند و توانسته‌اند به گروه ذی‌نفوذ نیرومندی در بسیاری از کشورهای میزبان خود تبدیل شوند.

مفهوم دیاسپورا

دیاسپورا واژه‌ای توصیفی است که چه از نظر دولت‌ها و چه از نظر عامه مردم، جوامع مهاجر را ترسیم می‌کند. احساس تعلق به میهنی مشترک در شکل‌گیری دیاسپورا نقش کلیدی دارد. این احساس به خودی خود ظهور نمی‌کند و در واقع، سازه‌ای سیاسی و اجتماعی است که در جریان تعامل میان اعضای جامعه از طریق متفاوت شناخته‌شدن آنان در جوامع میزبان و نهادینه‌کردن روابطشان با میهن شکل می‌گیرد (Varadarajan, 2010: 8, 9). در این زمینه که موجودیت دیاسپورا به وجود میهنی واقعی^۱ یا برنامه‌ریزی‌شده^۲ بستگی دارد و حداقل در دوران مدرن به معنای داشتن دولت است، اجماع گسترده‌ای شکل گرفته است.

واکر کانر^۳ به شکل حداقلی و گسترده دیاسپورا را چنین تعریف می‌کند: «بخشی از مردم که خارج از میهنشان زندگی می‌کنند.» می‌توان گفت دیاسپورا بخشی از مردم است که بیرون از میهنشان در دو یا چند کشور خارجی زندگی می‌کنند و نهادهایی را توسعه داده‌اند که بین آنان و جوامع میزبان مرزی ترسیم می‌کند و از نظر فرهنگی، روانی، سیاسی یا اقتصادی، این نهادها را به میهن موجود یا رویایی^۴ و سایر جوامع خارج از میهن پیوند می‌دهد. پیوندهای میان این جوامع نیز به اندازه تمرکز آنان بر میهن مهم است و هرچند این جوامع بخش‌هایی از قشر دیاسپورایی است، اما سابقه تاریخی و تجربه‌های متفاوتی دارند (Astourian, 2005: 80, 81).

سیاستمداران عضو دیاسپورا در سازمان‌های دیاسپورایی، سازمان‌های رسمی دولت‌های میزبان و میهن و شاخه‌های ورای ملی نهادهای سیاسی کشور میزبان و میهنشان فعال‌اند. بنابراین، لابی‌گری دیاسپورایی در برگیرنده سه فرایند متفاوت است: تمایل دیاسپورا برای دخیل‌شدن در سیاست کشور میزبان به نیابت از میهن (برای کمک به رژیم سیاسی میهنشان، تحکیم یا تضعیف آن)، تعامل مستقیم یا غیرمستقیم و فردی یا گروهی دیاسپورا با بازیگران سیاسی و نهادهای سیاسی کشور میزبان و نیز میهن، اقدام کشور میزبان برای تعامل با دیاسپورا به منظور انتقال پیام به رژیم سیاسی میهن آنان.. سیاست دیاسپورایی مجموعه فرایندهایی است که سیاست‌های رژیم سیاسی میزبان را به سود میهن دیاسپورا تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیز بر

1. Existent
2. Projected
3. Walker Connor
4. Envisional

سیاست سرزمین اصلی دیاسپورا به گونه‌ای نفوذ می‌کند که به سود دیاسپورا و کشور میزبان باشد (Laguette, 2006: 3, 73, 74).

دیاسپورای ارمنی

دیاسپورای ارمنی به آرامنه خارج از جمهوری ارمنستان و قره‌باغ اطلاق می‌شود. هم‌اکنون، دوسوم آرامنه جهان، خارج از جمهوری ارمنستان زندگی می‌کنند. این وضعیت تا اندازه زیادی معلول سه رویداد عمده است: نسل‌کشی آرامنه عثمانی در طول سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳، مهاجرت از ارمنستان شوروی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به دلیل فشارهای سیاسی، مهاجرت از جمهوری ارمنستان در اواخر دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ به دلیل دشواری‌های اقتصادی (Armenian Revolutionary Federation Official Site, 4/9/2014). هم‌اکنون بیش از ده میلیون ارمنی در کشورهای مختلف جهان زندگی می‌کنند که تنها حدود سه میلیون از آن‌ها در جمهوری ارمنستان به سر می‌برند. بزرگ‌ترین جوامع دیاسپورای ارمنی در روسیه (بیش از دو میلیون)، آمریکا (بیش از یک‌ونیم میلیون)، و فرانسه (حدود نیم میلیون) زندگی می‌کنند. کشورهای گرجستان، ایران، اوکراین، لهستان، لبنان، ترکیه، سوریه، آرژانتین و کانادا نیز میزبان جوامع نسبتاً بزرگ ارمنی است (Handbook for Armenians Abroad, 2012).

کشورهای میزبان جوامع ارمنی را می‌توان در سه گروه جای داد: دنیای اسلامی و مابعد عثمانی (ایران، عراق، سوریه، لبنان، مصر، ترکیه)، دموکراسی‌های سکولار غربی اروپا و آمریکای شمالی (فرانسه، آلمان، اتریش، سوئیس، بلژیک، هلند، کانادا و آمریکا)، مجموعه کشورهای اروپای شرقی اسلاو و اورتودوکس (روسیه، لهستان، اوکراین، رومانی، بلغارستان، گرجستان).. در کشورهای مابعد عثمانی، فکر جوامع دینی-قومی با هویت و شیوه اداره خاص از تداوم تاریخی و سنت ویژه خود برخوردار است (طیبیان، ۱۳۹۰). هرچند ریشه‌های دیاسپورای نوین ارمنی به پایان قرن نوزدهم برمی‌گردد، اما پس از نسل‌کشی ۱۹۱۵ بود که جمعیت جوامع پیشین به طور ناگهانی و در نتیجه مهاجرت بازماندگان افزایش یافت. از آن پس سه حزب سوسیال دموکرات هنجاکیان، فدراسیون انقلابی آرامنه (دانشناک‌ها) و حزب لیبرال دموکرات رامکاواری، تلاش کردند بر اساس ایدئولوژی خود، هویت ارمنی را در جوامع میزبان حفظ و بازتولید کنند. دانشناک‌ها در طول جنگ سرد طرفداری از بلوک غرب را برگزیدند و موضع به‌شدت ضد شوروی خود را تا اوایل دهه ۱۹۷۰ حفظ کردند. دانشناک‌ها هنگامی که فهمیدند ارمنستان شوروی شالوده ارمنستان آزاد، مستقل و متحد است، لحن ضدشوروی خود را ملایم کردند (Astourian, 2005: 82). کلیسای مرسل‌ی ارمنی^۱ و شوراها

1. Armenian Apostolic Church

خلیفه‌گری نیز در طول تاریخ با کمک به حفظ هویت ملی ارمنه و دستیابی آنان به حقوقشان نقشی کلیدی در حمایت از دیاسپورا ایفا کردند. کلیسا در کنار سه حزب داشناکسوتیون، رامکاواری و هنجاکیان و اتحادیه عمومی خیریه ارمنه^۱، بازیگران اصلی حیات دیاسپورا بوده‌اند (Handbook for Armenians Abroad, 2012).

می‌توان دو موج مهاجرت را شناسایی کرد که به شکل‌گیری دیاسپورای نو و کهن با هویت‌های متفاوت و ادراکات متنوع از میهن انجامیده است. دیاسپورای کهن، مولود نسل‌کشی و پاکسازی قومی عثمانی در سال ۱۹۱۵ در شرق ترکیه امروز یا همان مناطق غربی ارمنستان تاریخی است. از نظر این گروه، ارمنستان شوروی وطن محسوب نمی‌شد. بسیاری از آنان حتی در دوره پس از فروپاشی هم ارمنستان مستقل را تنها بخشی از ارمنستان بزرگ و نه میهن واقعی خود می‌دانند. میهن تاریخی آنان جایی در ترکیه امروزی است.

اما دیاسپورای نو در برگزیده افرادی است که در اواخر دهه ۱۹۸۰، پس از زلزله ۱۹۸۸ و در نخستین دهه استقلال، از جمهوری ارمنستان مهاجرت کرده‌اند. ارمنستان، میهن واقعی آنان است که خانواده و دوستانشان را در آن، جا گذاشته‌اند، با فرهنگ و اخلاقیات جامعه در حال گذار آشنایند و پیوندهای شخصی محکمی با آن دارند. آنان انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در میهنشان دارند و میزان سرمایه‌گذاریشان در اقتصاد ارمنستان دو برابر دیاسپورای قدیمی است. دیاسپورای نو شامل کارگرانی است که داوطلبانه و به دلیل ملاحظات اقتصادی از ارمنستان خارج شده‌اند.

اما دیاسپورای کهن، نوع کلاسیک، قربانی و آرچه‌تپیکال^۲ دیاسپوراست و زخم جمعی تبعید و رویای وطن بر آن مانده است (Chakhalyan, 2007: 21-24). دیاسپورای کهن، برخلاف دیاسپورای ساکن در روسیه و جمهوری‌های پیشین شوروی، موفق به بسیج و سازماندهی خود از طریق فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی و نیز پیرامون ایده‌های ضدیت با ترک‌ها، مبارزه برای شناسایی نسل‌کشی و تحقق ارمنستان بزرگ شد. دانشکده‌ها و سایر احزاب ارمنی با تشکیل سازمان‌ها و باشگاه‌های اجتماعی و گروه‌های لابی‌گری، به‌ویژه در خاورمیانه، فرانسه و آمریکا، نفوذ زیادی به دست آورده‌اند.

در مجموع تجربه دردناک و مشترک مهاجرت اجباری، زمینه مناسبی برای احزاب و سازمان‌های سیاسی فراهم آورد تا به سازماندهی جامعه ارمنی بپردازند. لابی‌کردن برای شناسایی نسل‌کشی، اعطای کمک‌های خارجی به جمهوری ارمنستان و شناسایی قره‌باغ، گواه ماهیت سیاسی دیاسپورای کهن است (Chakhalyan, 2007: 26, 27). دیاسپورای ارمنی علاوه بر

1. Armenian General Benevolent Union

۲. Archetypical: الگو، مدل اصلی و نمونه اولیه که سایر نمونه‌ها از روی آن نسخه‌برداری می‌شود.

اتکا بر منابع خودش، در سوق دادن کمک کشورهای میزبان و سازمان‌های بین‌المللی به ارمنستان بسیار موفق بوده است (Gyulumyan, 2008: 8).

در آمریکا دو گروه لابی مهم فعالیت می‌کنند. یکی کمیته ملی ارامنه در آمریکا^۱ که بازوی فعالیت‌های لابی‌گری حزب دانشناکسوتیون است. دیگری همایش ارامنه آمریکا^۲ که وابسته به انجمن خیریه کل ارامنه است. اهداف اصلی گروه‌های لابی ارمنی چنین است: شناسایی نسل‌کشی ارامنه عثمانی در کنگره آمریکا، تلاش برای به رسمیت شناخته شدن قره‌باغ از سوی آمریکا و کمک‌های مستقیم آمریکا به قره‌باغ، تلاش برای افزایش کمک‌های آمریکا به جمهوری ارمنستان، تلاش برای ممانعت از کمک‌های آمریکا به جمهوری آذربایجان. برای طرح مسئله نسل‌کشی در کنگره، گروه نمایندگان علاقه‌مند به مسائل ارامنه متشکل از اعضای هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه نقش مهمی بازی می‌کند. این گروه اکنون ۱۲۵ عضو دارد و در نظر دارد بار دیگر موضوع شناسایی نسل‌کشی را در دستور کار کنگره آمریکا قرار دهد (دوهفته‌نامه هویس، ۱۳۹۲/۴/۲۲).

روسیه کماکان میزبان بزرگ‌ترین جمعیت مهاجران ارمنی است که تفاوت‌های زیادی با ارامنه ساکن در کشورهای غربی دارد. در زمان شوروی برای ارامنه روسیه خوشایند نبود که به خود به عنوان دیاسپورا نگاه کنند. آن‌ها شهروند یک موطن بودند: اتحاد جماهیر شوروی. آن‌ها معمولاً واژه دیاسپورا یا اسپورک را به کار نمی‌بردند. اما با جنگ قره‌باغ و کشتار سومقائیت این وضعیت تغییر کرد. ارامنه‌ای که پیش از بحران قره‌باغ عضو جمع‌های قومی نبودند شروع به فعالیت و گردهمایی کردند و به اتفاقات ارمنستان علاقه‌مند شدند. در روسیه، ارامنه عضو دوما و شورای فدراسیون‌اند و بعضی از آن‌ها شغل‌های هم‌ردیف نخست‌وزیری دارند. با این حال، ارامنه روسیه جمع یکدستی نیستند و در امواج گوناگون (پیش از پرسترویکا، دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، پس از زلزله و جنگ) با دغدغه‌های متفاوت به روسیه رفته‌اند (اوساتچوا، ۱۳۹۱/۴/۷).

می‌توان گفت غالب ارامنه روسیه بخشی از دیاسپورای نو و ارامنه آمریکا بخشی از دیاسپورای کهن است. بیشتر حجم سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد ارمنستان از روسیه می‌آید (Chakhalyan, 2007: 1, 28). دیاسپورای ارمنی دارای استثنایی برای اقتصاد ملی به شمار می‌رفت و می‌رود. رشد اقتصادی سریع پس از سال ۱۹۹۹ تا اندازه‌ای به کمک‌های دیاسپورا به زیربناسازی، انتقال‌های شخصی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت داده می‌شود (Hergnyan & Makaryan, 2006). تقریباً ۷۰ درصد سرمایه‌گذاران خارجی در ارمنستان تبار

1. Armenian National Committee of America
2. Armenian Assembly of America

ارمنی دارند. ارامنه روسیه، آمریکا، ایران، فرانسه، سوریه و لبنان به ترتیب بیشترین سهم را در سرمایه‌گذاری دیاسپورا در ارمنستان داشته‌اند (Handbook for Armenians Abroad, 2012).

ارامنه ایران

کلیسای مرسللی ارمنی، برجسته‌ترین شاخه از کلیساهای اورتدوکس اوریتال^۱ در ایران است. ارامنه اورتدوکس معمولاً خود را گریگوری می‌نامند تا با ارامنه کاتولیک اشتباه گرفته نشوند. آن‌ها بزرگ‌ترین گروه مسیحیان ایران‌اند. تعداد ارمنیان اورتدوکس ایرانی دویست هزار نفر است که البته شمار زیادی از آنان مهاجرت کرده‌اند. شماری از ارامنه ایران (حدود ده هزار نفر) کاتولیک‌اند که اغلب در تهران و جلفای نو زندگی می‌کنند (Van Gorder, 2010: 204, 205). معمولاً نخستین سال‌های قرن هفدهم میلادی را تاریخ ورود ارامنه به ایران می‌دانند؛ یعنی، زمانی که شاه‌عباس ارمنیان جلفا را به اصفهان کوچاند. اما حضور ارمنیان در سرزمینی که در ایران امروز جای می‌گیرد پیشینه‌ای طولانی‌تر دارد، در حالی که در زمان هخامنشی ارمنستان بخشی از ایران بود. بنابراین، همه ارامنه، ارامنه ایران به شمار می‌آمده‌اند. این وضعیت در دوره ساسانیان که ارمنستان ساتراپ‌نشین ایران بوده است و در بسیاری از دوره‌های دیگر هم وجود داشته است (صافاریان، ۱۳۹۱). گرویدن ارامنه به مسیحیت در آغاز قرن چهارم میلادی تا اندازه‌ای آنان را از ایرانی زرتشتی بیگانه کرد و به سوی غرب سوق داد. شاه‌عباس صفوی بیشترین تأثیر را بر جامعه ارمنیان ایران بر جای نهاد، بخش عمده تجارت ایران با اروپا، روسیه و هند را ارامنه اداره می‌کردند و در تجارت ابریشم از انگلیسی‌ها هم پیشی گرفته بودند. مرگ شاه‌عباس و افول سلسله صفویه در نیمه دوم قرن هفدهم، شماری از تجار ارمنی را ناچار به مهاجرت کرد (Bournoutian, 1994).

جامعه ارمنی ایران به مدد پیوندهای تجاری میان شاهان قاجار و تجار ارمنی روسیه در نیمه دوم قرن نوزدهم جان تازه گرفت. ارامنه تجارخانه‌های جدیدی در سواحل خزر و خلیج فارس گشودند و به تجارت با روسیه، هند و اروپا پرداختند. حمایت‌های شاهان قاجار ارامنه را به تهران کشاند. آنان توانستند به دلیل دانستن زبان‌های خارجی و داشتن ارتباط با خارجی‌ها، به عنوان سفرای ایران به اروپا اعزام شوند. ارامنه در این دوران، اندیشه‌های جدید سیاسی، سبک غربی هنر و نوآوری‌های فناوری را به ایران آوردند. ارامنه شمال غرب ایران به زودی در معرض ایده‌های ملی و سیاسی ارامنه قفقاز قرار گرفتند و در ایران قرن بیستم نقش مهمی ایفا کردند.

۱. Oriental Orthodox: گروهی از اورتدوکس‌ها که از کلیسای بیزانس و بعدها روسیه مستقل بوده‌اند و با اورتدوکس‌های شرقی یونان و روسیه تفاوت دارند.

در آغاز قرن بیستم ایران مانند مصر یکی از مراکز بزرگ ارامنه خاورمیانه بود. نزدیکی ارامنه ساکن در آذربایجان به قفقاز و آناتولی شرقی، آنان را تحت تأثیر فعالیت‌های سیاسی ارامنه روسیه و عثمانی قرارداد. شماری از ارامنه تبریز و سلماس به احزاب آرمناکان، هنچاکیان و داشناکسوتیون پیوستند. گروهی از ارامنه هم به دلیل تعقیب شدن از سوی پلیس عثمانی و روسیه به ایران پناه آوردند. قتل‌وعام‌های سال‌های ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ در عثمانی به پناه‌گرفتن شمار بیشتری از ارامنه در شمال غرب ایران انجامید. انقلاب ۱۹۰۵ روسیه تأثیر زیادی بر شمال ایران گذاشت و در سال ۱۹۰۶ ارامنه همراه با سایر ایرانیان لیبرال و انقلابی، جنبش مشروطه را به پیروزی رساندند. نقش ارامنه در واحدهای ارتش و نقش فرماندهان نظامی ارمنی در انقلاب مشروطه به خوبی ثبت شده است (Bournoutian, 1994). با تأسیس سلسله پهلوی، دوران جدیدی برای ارامنه آغاز شد. تلاش‌های رضاشاه و پسرش برای نوسازی ایران، فرصت‌های بیشماری برای پیشرفت ارامنه فراهم کرد. ارمنیان به دلیل تماس با غرب و قابلیت‌های زبانی خوب بر بسیاری از ایرانیان برتری داشتند. آنان به زودی در عرصه علم و هنر در ایران به موقعیت درخشانی دست‌یافتند. مهاجران و پناهندگانی که از روسیه می‌آمدند تا دهه ۱۹۳۰ کماکان جمعیت ارامنه را افزایش دادند. با وقوع جنگ دوم جهانی، ارمنیان فرصت‌های بیشتری برای افزایش قدرت اقتصادی خود به دست آوردند. آن‌ها به دلیل تسلط بر زبان روسی نقش مهمی در ارسال کمک‌های متفقین به شوروی ایفا کردند. بیشتر ارامنه به دانشکده‌ها و فادار ماندند اما آن‌ها که گرایش‌های کمونیستی داشتند به فعالیت زیرزمینی روی آوردند یا همراه با سایر سوسیالیست‌های ایرانی در سال ۱۹۴۶ به روسیه رفتند. تهران در آن روزگار مانند بیروت یکی از مراکز پررونق زندگی ارمنی بود. در این سال‌ها کلیساها، مدارس، مراکز فرهنگی، باشگاه‌های ورزشی و دیگر تشکلهای ارمنی گسترش یافت. ارامنه در مجلس شورا و مجلس سنا نماینده داشتند (Bournoutian, 1994).

امروز هم ارامنه احتمالاً محبوب‌ترین اقلیت ایران‌اند و در مقایسه با سایر اقلیت‌ها امتیازات بیشتری دارند. آنان از آزادی مذهبی کامل برخوردارند (Meral, 2012). با پیروزی انقلاب اسلامی هزاران سال هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ارامنه و مسلمانان باز هم ادامه یافت. حکومت جمهوری اسلامی با ارامنه اورتدوکس و کاتولیک به خوبی برخورد کرد (Van Gorder, 2010: 179). حال با توجه به تجربه‌های تاریخی اشاره شده و موقعیت ارامنه در ایران و جهان و نیز با در نظر گرفتن خواسته‌ها و اهداف دیاپورا ارمنی می‌خواهیم فرصت‌ها و چالش‌هایی را که آنان پیش روی ایران قرار می‌دهند بررسی کنیم.

دیاسپورای ارمنی و فرصت‌های پیش روی ایران

الف) شکل‌گیری تصویر مثبت از ایران در سطح بین‌الملل

ارامنه به جهت دسترسی‌ها و برخورداری از ظرفیت‌های تریبونی می‌توانند در انعکاس تصویری مناسب از ایران در عرصه جهانی تأثیر مثبتی داشته باشند. در شورای جهانی کلیساها در بوسان کره جنوبی در سال ۲۰۱۳، نماینده شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران گزارش مثبتی از عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال ادیان الهی داد. در این گردهمایی به پیشنهاد اسقف اعظم ارامنه ایران، سبوه سرکیسیان، به کشورهای غربی و آمریکا توصیه شد به تحریم‌ها و محاصره اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران پایان دهند، زیرا تحریم‌ها مراتب رنجش و محرومیت مردم شریف و صلح‌دوست ایران عزیز را موجب می‌شود (روزنامه آلیک، ۲۰/۸/۱۳۹۲). می‌توان گفت ایران یکی از ایده‌آل‌ترین جوامع ارمنی را در خود جای داده است و بر اساس سنت‌های تاریخی این گروه قومی تا اندازه زیادی توانسته‌اند هویت و خودمختاری فرهنگی خود را در ایران حفظ کنند. تبلیغ این واقعیت و شناساندن آن به افکار عمومی جهان اهمیت زیادی دارد. پراکنش جغرافیایی ارامنه به گونه‌ای است که به بهبود وجهه ایران از طریق ارائه تصویری از موقعیت اقلیت ارمنی در کشورمان کمک می‌کند.

ب) بهره‌برداری از توان لابی‌گری ارامنه در ایالات متحده و اروپا

ارامنه آمریکا نه تنها مشارکت فعالی در حیات سیاسی داخلی کشور میزبان دارند (انتخابات ریاست جمهوری و کنگره)، بلکه بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ارمنستان و همسایگانش نیز نفوذ زیادی اعمال می‌کنند. لابی ارمنیان آمریکا در تأثیرگذاری بر چگونگی تخصیص کمک‌های خارجی دولت آمریکا عملکرد بسیار موفقی داشته است که در نتیجه آن ارمنستان از نیمه دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۵ دومین دریافت‌کننده بزرگ کمک سرانه دولت آمریکا بود. در طول جنگ قره‌باغ، دیاسپورای ارمنی، بازیگری بود که در فرایند مذاکرات، اهمیت منابع نفتی جمهوری آذربایجان را خنثی می‌کرد. به دلیل تلاش سازمان‌های ارامنه آمریکا، کمک‌های آمریکا به جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ قطع شد (Gyulumyan, 2008: 9 & 15).

نمونه دیگر موفقیت دیاسپورا تصویب لایحه آموزشی قتل عام ارامنه در مجلس ایالتی کالیفرنیاست. در می ۲۰۱۴، کمیته ملی ارامنه غرب آمریکا اعلام کرد کمیته تخصیص بودجه مجلس ایالتی کالیفرنیا به اتفاق آراء، لایحه ۱۹۱۵ را مبنی بر افزودن موضوع قتل عام ارامنه در فهرست عناوین تحقیقاتی در رشته‌های مربوط به علوم اجتماعی مقاطع هفت تا دوازده مدارس تصویب کرد (هفته‌نامه تاریخ شفاهی، ۱۳۹۳/۴/۲۵). گفته می‌شود لابی ارامنه در کنگره آمریکا به نفع روسیه نیز موضع‌گیری می‌کند؛ یعنی، روس‌ها بر آن اعمال نفوذ می‌کنند (Turkish Weekly,

10/17/2007). در نتیجه نفوذ لابی ارمنی، تاکنون دوازده کشور از اعضای اتحادیه اروپا، نسل‌کشی ارمنه را در پارلمان خود شناسایی کرده‌اند. پذیرش نسل‌کشی از سوی ترکیه هنوز به شرط عضویت این کشور تبدیل نشده است، اما کشورهایی نظیر فرانسه مایل‌اند چنین شود (Ralchev, 2010: 9). مقامات جمهوری آذربایجان مدعی‌اند پارلمان اروپا تحت تأثیر لابی ارمنه به انتقاد از باکو می‌پردازد و به تنش میان ارمنستان و آذربایجان دامن می‌زند (Asbarez, 14/9/2012). لابی ارمنه با چنین ظرفیت و نفوذی در اروپا و ایالات متحده در بسیاری موارد به تخفیف فشارها علیه کشورمان کمک می‌کند. ارمنه ایران می‌تواند پل ارتباطی خوبی با جامعه بزرگ‌تر دیاسپورا در سراسر جهان باشند و آنان را به حمایت از جمهوری اسلامی ایران ترغیب کنند.

ج) خنثی‌کردن تبلیغات منفی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

مجلس ایران دو عضو ارمنی دارد. یکی ارمنه تهران و شمال کشور و دیگری ارمنه اصفهان و جنوب کشور را نمایندگی می‌کند. این سنت به نوعی از هنگام شکل‌گیری مجلس در ایران پس از انقلاب مشروطه وجود داشته است (دوهفته‌نامه هویس، ۱۳۹۲/۱۱/۵). زبان ارمنی هنوز در مدارس تدریس می‌شود. پس از انقلاب اسلامی دولت اجازه داد ارمنه تمام کسب‌وکارهایشان، حتی فروش نوشیدنی‌های الکلی را (به شکل غیرعلنی) حفظ کنند. ارمنیان پس از انقلاب به زندگی و پیشرفت ادامه دادند. وزارت آموزش و پرورش ایران کتاب‌های تعلیمات دینی ویژه‌ای برای یهودیان، زرتشتیان و مسیحیان تألیف کرد. این کتاب‌ها یکتاپرستی و آموزه‌های ادیان ابراهیمی را ترویج می‌کند. هدف این کتاب‌ها، انکار دیدگاه‌های غیرمذهبی و سکولار غربی است (Van Gorder, 2010: 179-183). بنابراین، ارمنه از اقلیت‌های قومی و مذهبی ایران هستند و از حقوق سیاسی و فرهنگی خود محروم نشده‌اند. این واقعیت با توجه به اینکه دعای حقوق بشری یکی از اهرم‌ها برای منزوی‌کردن و افزایش فشار بر ایران است، به خنثی‌کردن تبلیغات منفی کمک می‌کند.

د) تنظیم روابط با ارمنستان

ارمنه ایران از بزرگ‌ترین گروه‌های سرمایه‌گذار در ارمنستان پس از استقلال بوده‌اند. سرمایه‌گذاران ایرانی ارمنی از لحاظ تعداد، پس از ارمنه روسیه و آمریکا قرار دارند. این در حالی است که جمعیت ارمنه کشورهایمانند فرانسه و آرژانتین بیشتر است. اما، شمار سرمایه‌گذاران آن‌ها بسیار کمتر از ایران است (Chakhalyan, 2007: 31). به گفته مقامات ایرانی، وجود ارمنه ایران باعث شده روابط فرهنگی میان ایران و ارمنستان نیز آسان شود (فرهنگ امروز،

۱۳۹۳/۷/۱۶). با توجه به پیچیدگی حوزه قفقاز و حضور رقابلی مثل روسیه و ترکیه و نیز تلاش آمریکا برای کاهش نفوذ ایران در این نزدیک‌ترین همسایه قفقازی خود، باید به پتانسیل دیاسپورا در گسترش روابط با ارمنستان توجه کرد. ارامنه ساکن ایالات متحده و اروپا به‌ویژه فرانسه به پلی میان میهن اجدادی و کشور محل تابعیتشان تبدیل شده‌اند و کاتالیزور غربی شدن ارمنستان به شمار می‌رود (The Hill, 1/14/2013). بنابراین، ارامنه ایران نیز می‌توانند کارگزار نفوذ فرهنگی ایران در ارمنستان و تعمیق پیوندها با این کشور باشند.

ه) تبادل گردشگر

هر سال در روزهای نهم تا یازدهم مرداد هزاران ارمنی از کشورهای مختلف برای زیارت کلیسای تادئوس مقدس، یکی از دوازده حواری مسیح، به دشت چالدران ایران می‌آیند. این مراسم تا اندازه‌ای مانند مراسم حج مسلمانان یا زیارت مسیحیان و یهودیان در بیت‌المقدس است. کلیسای تادئوس مقدس یا قره‌کلیسا به مدت ششصد سال مقر کلیسای مرسله ارمنی بوده است (روزنامه آلیک، ۱۳۹۳/۵/۳۰). بنابراین، ایران مقصد جذابی برای ارامنه سراسر جهان است. ایران مهم‌ترین کشور توریست‌فرست به ارمنستان نیز هست. در سال ۲۰۱۲ میلادی تنها در ایام تعطیلات نوروزی بیش از ۱۵ هزار مسافر و گردشگر ایرانی از ارمنستان دیدار کردند. (سایت تحلیلی خبری همصدا، ۱۳۹۲/۱/۱۷). تحولات اخیر در بازار ارز ارمنستان حاکی از آن است که بازار این کشور به‌شدت وابسته به گردشگران ایرانی است که کاهش سفر ایرانیان سبب بیکاری صدها ارمنی شده است اما ایرانیان به‌ویژه نوروز ۱۹۹۳ با سفر خود، روند تنزل پول ملی ارمنستان را متوقف کردند (خبرگزاری میراث فرهنگی، ۱۳۹۳/۱/۱۶). بنابراین، اقتصاد ارمنستان تا اندازه زیادی به گردشگران ایرانی وابسته شده است و اهمی دیگری برای تأثیرگذاری بر روابط در دست کشورمان قرار داده است.

و) جذب سرمایه‌گذاری خارجی

ایران در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی از اغلب کشورهای همسایه بسیار عقب‌تر است. دیاسپورای ارمنی ساکن در اروپا، آمریکا و روسیه باید یکی از جمعیت‌های هدف سیاست‌هایی باشد که برای بهبود محیط کسب‌وکار و ترغیب سرمایه‌گذاران خارجی به حضور در ایران اجرا می‌شود. بر اساس فهرست مجله فوربز ثروتمندترین ارامنه جهان در آمریکا و روسیه زندگی می‌کنند. (Armenia Now, 5/3/2013). به گزارش فوربز هیچ یک از میلیاردرهای ارمنی جهان در ارمنستان زندگی نمی‌کنند (Tert.am, 5/3/2013). تخمین‌های محافظه‌کارانه حاکی از این است که مجموع درآمد خانوارهای ارمنی کالیفرنیا، پانزده برابر کل تولید ناخالص داخلی ارمنستان است

(Minoian & Freinkman, 2005). منابع مالی قابل توجه دیاسپورای ارمنی در صورت تبلیغات و بسترسازی مناسب به اقتصاد کشورمان تزریق می‌شود.

ز) تنظیم روابط با ترکیه و جمهوری آذربایجان

همسایگان ترک‌زبان ایران هرگاه منافعشان ایجاب کرده است تلاش کرده‌اند به نحوی به تحریک احساسات قومی در ایران مبادرت ورزند، هرچند ممکن است دولت‌ها با صراحت این اقدامات را تأیید نکرده باشند و گروه‌های غیردولتی کارگزار اجرای آن‌ها بوده باشند. با توجه به عمق دشمنی میان ترک‌ها و ارمنه، حمایت از خواست‌های ارمنه در مورد مسائلی مانند شناسایی نسل‌کشی و بازپس‌گیری اموالشان در ترکیه و نیز مسئله قره‌باغ باید همواره اهرم فشاری در مقابل ترکیه و جمهوری آذربایجان باشد. تلاش برای جلب حمایت لابی ارمنه نیز زمانی مهم‌تر می‌شود که بدانیم جمهوری آذربایجان روابطش را با لابی یهودیان در کنگره آمریکا گسترش داده است. به گفته دیوید هریس، رئیس کمیته یهودیان آمریکا، جمهوری آذربایجان شریکی راهبردی برای آمریکا و غرب، و دوستی ارزشمند برای اسرائیل و مردم یهودی است. لابی یهودیان به نادیده گرفتن موارد نقض حقوق بشر در آذربایجان و خنثی‌سازی تلاش‌های لابی ارمنی کمک می‌کند. یکی از اهداف اسرائیل از گسترش روابط با جمهوری آذربایجان محدودسازی ایران است (Eurasianet, 2/13/2015).

ح) جلب حمایت در حوزه سیاست خارجی

دیاسپورای ارمنی و اعضای ایرانی آن درباره بسیاری از مسائل مهم منطقه خاورمیانه با جمهوری اسلامی ایران موضع مشترکی دارند. این مشابهت مواضع حاکی از هم‌پوشانی منافع ایران و دیاسپورای ارمنی در این موارد است. ارمنه ایران از هنگام آغاز درگیری‌ها در سوریه، جنایات مخالفان مسلح اسد را محکوم کرده‌اند (روزنامه آیک، ۱۳۹۳/۳/۲۹). در بیانیه تجمع اعتراض‌آمیز ارمنه در مقابل سفارت ترکیه در تهران به مناسبت نود و نهمین سالگرد نسل‌کشی ارمنه عثمانی آمده است: «... مراتب اعتراض خود را نسبت به اعمال فشارها و مداخلات آمریکا و سیاست‌های مخرب اسرائیل در منطقه اعلام داشته، خواهان اتحاد ملل منطقه در راستای استقلال و صلح پایدار هستیم.» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۲/۲/۴). همراهی ارمنه لبنان با ائتلاف هشت مارس، نمونه دیگری از موضع‌گیری مشترک دیاسپورای ارمنی و جمهوری اسلامی است. ارمنه لبنان، شش کرسی از ۱۲۸ کرسی پارلمان و یک یا دو وزارتخانه را در اختیار دارند. آبراهام ددیان از حزب دانشناکسوتیون در نوامبر ۲۰۰۹ وزیر صنایع شد. اما در اعتراض به دادگاه بین‌المللی بررسی پرونده قتل رفیق حریری همراه با وزرای ائتلاف هشت

مارس که این دادگاه را تحت نفوذ آمریکا و اسرائیل می‌دانستند استعفا داد (انسان‌شناسی و فرهنگ، ۱۳۸۹/۱۱/۲۳).

دیاسپورای ارمنی و تهدیدهای پیش روی ایران

الف) دامن‌زدن به مطالبات قومی در ایران

ایران جامعه‌ای چند قومی است و مطالبات گروه‌های قومی ممکن است رنگ‌وبوی سیاسی بگیرد و به امنیت ملی آسیب بزند، هرچند اقوام ساکن در کشورمان همه اقوام ایرانی‌اند و قیاس میان ایران و کشورهای شکل‌گرفته در پی فروپاشی امپراتوری‌ها یا کشورهای گسترش یافته از طریق توسعه‌طلبی امپریالیستی اشتباه است و نباید اجازه داد دشواری‌های قومی پیش‌روی این کشورها به ایران تسری یابد.

ب) برانگیخته‌شدن حساسیت ترکیه و جمهوری آذربایجان

با وجود پیوندهای تاریخی و فرهنگی با ارمنستان و دیاسپورای ارمنی و اشتراک دیدگاه با آنان در بسیاری از مسائل، اما ایران روابط حساس و مهمی نیز با ترکیه دارد. سیاست‌هایی که به تحریک جمهوری آذربایجان بینجامد نیز به صلاح نیست و کشورمان را از منافع بسیاری محروم می‌کند. ایران باید در روابطش با این سه کشور توازن برقرار کند. میانجیگری بین ارمنه از یک‌سو و ترکیه و جمهوری آذربایجان از سوی دیگر در مسئله قره‌باغ و شناسایی نسل‌کشی و بازگشایی مرزها از گزینه‌های روی میز سیاست خارجی ایران است و بر وجهه و اعتبار بین‌المللی کشورمان می‌افزاید.

ج) برانگیخته‌شدن حساسیت ارمنستان پیرامون مسئله قره‌باغ

با آغاز بحران قره‌باغ در دوران پیش از فروپاشی و تبدیل آن به جنگی تمام‌عیار در ادامه، با توجه به شیعه مذهب بودن بیشتر مردم جمهوری آذربایجان و ماهیت ایدئولوژیک حکومت جمهوری اسلامی، بسیاری از تحلیلگران و سیاستمداران انتظار داشتند ایران آشکارا جانب جمهوری آذربایجان را بگیرد. با وجود بی‌طرفی جمهوری اسلامی و محقق‌نشدن این پیش‌بینی، حکومت ایران هنوز هم در مظان چنین اتهامی قرار دارد و جامعه ارمنی نگران نقش‌آفرینی عامل مذهب در تعیین موضع ایران است.

د) خطر رویارویی با فشار جامعه بزرگ دیاسپورا

در متن خواسته‌های ارمنه در انتخابات ۱۳۹۲ از رئیس‌جمهور جدید علاوه بر نگرانی‌ها و درخواست‌های مربوط به اقتصاد، سیاست خارجی، آموزش عالی و جایگاه زنان که با

خواسته‌های بخش‌های دیگر جمعیت همپوشانی دارد، خواسته‌هایی نیز دربارهٔ جامعهٔ آرامنه و جوامع اقلیت دینی مطرح شده بود: محکومیت نسل‌کشی، حمایت مادی و معنوی از نهادهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی جوامع اقلیت دینی، افزایش اشتغال اقلیت‌های دینی در دستگاه‌های دولتی، احراز پست معاونت یا مشاور وزارتخانه‌ها، کاهش معضلات ناشی از مادهٔ ۸۸۱ مکرر قانون مدنی^۱ و تشکیل معاونت یا نهاد مشاورهٔ ریاست جمهوری، وزارتخانه‌ها و استانداری‌ها در امور اقلیت‌ها (انسان‌شناسی و فرهنگ، ۱۳۹۲/۳/۱۸). بازتاب بی‌توجهی به دغدغه‌های آرامنهٔ ایران در جامعهٔ بزرگ‌تر دیاسپورا پیامد خوبی نخواهد داشت و فرصت اتکای ایران به توان لابی‌گری آنان را کاهش می‌دهد.

ه) افزایش مهاجرت آرامنه از ایران

در نیمهٔ دههٔ گذشته دیاسپورای هیچ کجا به اندازهٔ دیاسپورای ایران به ارمنستان مهاجرت نکرده‌اند. زبان فارسی، خیلی عادی در پایتخت ارمنستان به گوش می‌رسد. البته دپارتمان مهاجرت و دپارتمان روابط خاورمیانه در وزارت دیاسپورا، تعداد ایرانی-ارمنی‌هایی را که در سال‌های اخیر در ارمنستان مستقر شده‌اند ثبت نکرده‌اند. با وجود این، حضور آنان در بسیاری از وجوه جامعهٔ ارمنستان حس می‌شود (آبراهامیان، ۱۳۸۹). در دههٔ ۱۹۸۰، حدود دویست هزار ارمنی در ایران ساکن بودند. اما امروز منابع گوناگون شمار آنان را چهل هزار، هشتاد هزار یا صد هزار نفر تخمین می‌زند. بسیاری از آرامنه در نخستین سال پس از انقلاب اسلامی، ایران را ترک کردند. موج بعدی مهاجرت در طول جنگ هشت‌ساله اتفاق افتاد. در سال‌های اخیر، مهاجرت آرامنهٔ ایران، به‌ویژه به مقصد آمریکا افزایش یافته است. علت مهاجرت‌های سال‌های اخیر، جست‌وجوی زندگی بهتر است و نه احساس تبعیض به دلیل در اقلیت قرار داشتن. بیشتر آرامنه، وضعیت اقتصادی ایران را عامل مهاجرت خود می‌دانند و اعتقاد دارند شانس آنان برای حفظ زبان و هویتشان در ایران بیشتر است تا در آمریکا. اما واقعیت این است که مهاجرت به آمریکا برای اقلیت‌های ایران بسیار آسان است. جامعهٔ عبری کمک به مهاجر^۲ یا هایاس، مهاجرت آنان را سازمان داده است. هایاس فعالیتش را به منظور کمک به یهودیان در تبعیض و در خطر آغاز کرد، اما اخیراً به همهٔ اقلیت‌ها برای ترک ایران کمک می‌کند (Stepanian, 2010). هایاس از ایالات متحده برای این کار بودجه می‌گرفت. در یک دههٔ گذشته احتمالاً سالانه چهار تا پنج هزار نفر از آرامنه ایران را ترک کرده‌اند و اگر مهاجرت با همین

۱. مادهٔ ۸۸۱ مکرر قانون مدنی: «کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثهٔ متوفای کافری مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی‌برند، اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.»

2. Hebrew Immigrant Aid Society (HIAS)

شتاب ادامه پیدا کند، بعد از ده سال تنها چند هزار نفر ارمنی در ایران خواهیم داشت و یکی از اقلیت‌های قومی و دینی نقش‌آفرین در تاریخ صد سال اخیر کشور از بین می‌رود. فعلاً هایاس برنامه مهاجرت اقلیت‌ها از ایران را متوقف کرده، چون بودجه‌اش از سوی دولت آمریکا قطع شده است. ولی تجربه دو دهه اخیر نشان می‌دهد که مسیرهای دیگری جایگزین خواهد شد (صافاریان، ۱۳۹۰).

نتیجه

هویت قومی ارمنی در ایران دستخوش تهدید و دگرگونی اساسی نشده است. پیشینه حضور ارمنی در ایران بسیار طولانی‌تر از هنگام آغاز آزار و اذیت و سرانجام قتل عام آنان در عثمانی است، علاوه بر این بسیاری از ارمنی‌ها در طول تاریخ هرگز در خارج از سرزمین ایران نزیسته‌اند. همین نکته آنان را از ارمنی ساکن در اروپا و آمریکا متمایز می‌کند که غالباً فرزندان بازماندگان نسل‌کشی‌اند. با این حال، ارمنی ایران نیز در گروه دیاسپورای کهن جای می‌گیرند و با دیاسپورای نوی کشورهای سابقاً کمونیست تفاوت دارند. بنابراین، الگوی رفتاری، موضع‌گیری‌ها و نوع نگاه آنان به میهن ارمنی تا اندازه زیادی به ساختارهای تشکیلاتی قدرتمند دیاسپورای کهن در آمریکا و اروپا نزدیک است.

ایران، همسایه بلافصل جمهوری ارمنستان است، روابط نزدیکی با این کشور دارد، قره‌کلیسا را که به اندازه کعبه مسلمانان برای ارمنی‌گریگری اهمیت دارد در خود جای داده است و بنابراین در میان جوامع میزبان ارمنی جایگاه منحصر به فردی دارد. ایستار دوستانه ارمنی نسبت به ایران را باید به این ویژگی‌ها افزود. گروه‌های مختلف دیاسپورای ارمنی حتی آنان که تبار ایرانی ندارند معمولاً این ایستار را شریک‌اند. چنین نگاه دوستانه‌ای با توجه به امکانات و ظرفیت‌های گسترده دیاسپورای ارمنی در سطح جهان آبخشور فرصت‌هایی بی‌شمار برای ایران است.

امروزه، ارمنی ایران که البته شایسته است آنان را ایرانیان ارمنی بخوانیم، بر اساس سنت قدیمی جوامع خاورمیانه‌ای در درون اجتماع خود از آزادی‌های مطلوبی برخوردارند و در ساختار سیاسی ایران و البته به شیوه‌ای متفاوت با دموکراسی‌های غربی، نمایندگانی دارند. بسیاری از دغدغه‌ها، مشکلات و خواسته‌های آنها، مشابه سایر ایرانیان است و هر دگرگونی مثبتی در وضعیت کشور آنان را مانند همه مردم ذی‌نفع می‌کند. با این حال، بهره‌گیری بهتر از توانمندی‌های ایرانیان ارمنی در جهت توسعه همه‌جانبه کشور، توجه ویژه سیاستگذاران را می‌طلبد و نگرانی‌های این اقلیت برجسته را نمی‌توان به حال خود گذاشت. بسیاری از ایرانیان ارمنی از کارآفرینان بخش خصوصی‌اند یا در لایه‌های متوسط تجارت کارنامه خوبی دارند یا

به طبقه تحصیل کرده موفق تعلق دارند. موقعیت اقتصادی خوب ارامنه ایران باعث شده آنان بتوانند به سومین گروه سرمایه‌گذار دیاسپورا در جمهوری ارمنستان تبدیل شوند، در حالی که ایرانیان در هیچ یک از جمهوری‌های پیشین شوروی چنین جایگاهی ندارند. از سوی دیگر، نباید از یاد ببریم که بخش بزرگی از مردم ارمنستان در سنین فعالیت اقتصادی، این کشور را به قصد کار در خارج (اغلب به مقصد روسیه) ترک می‌کنند. در سال‌های اخیر، حتی چند ده هزار ارمنی برای کار به ترکیه رفته‌اند. دولت ترکیه نیز عمده‌اً حضور این کارگران غیرقانونی را نادیده می‌گیرد تا اهرم فشاری در دست داشته باشد. ایران به دلیل روابط دوستانه با ارمنستان، سابقه طولانی هم‌زیستی مسلمانان و ارامنه و شرایط خوب ایرانیان ارمنی که به آن اشاره شد، قطعاً مقصد مطلوب‌تری برای ارامنه جویای کار اعم از نیروی کار ساده و ماهر است. اما شناساندن این موقعیت به آنان و تبدیل شدن به یکی از گزینه‌های پیش‌روی مهاجران ارمنی، بدون برنامه‌ریزی ممکن نیست. حضور مهاجران ارمنی در ایران و در نتیجه وابستگی اقتصادی ارمنستان به ایران، بر سیاست خارجی ارمنستان و مواضع سازمان‌های دیاسپورایی تأثیر می‌گذارد، قدرت چانه‌زنی و مانور ایران را در این کشور و احتمالاً در کل منطقه قفقاز افزایش می‌دهد و بر رابطه ایران با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اثر می‌گذارد. چنانکه اشاره شد ایرانیان ارمنی و نیز سازمان‌های قدرتمند دیاسپورایی به دلایل مختلف، درباره بسیاری از مسائل منطقه‌ای و جهانی موضع مشترکی با ایران دارند و به خودی خود در کنار ایران قرار می‌گیرند. شایسته است در این شرایط ایران بار دیگر به یکی از مراکز پررونق زندگی ارامنه در جهان تبدیل شود و علاوه بر تلاش برای کاهش مهاجرت ارامنه، مقصد جذابی برای زندگی، تحصیل، سرمایه‌گذاری و گردشگری ارامنه ساکن در کشورهای دیگر نیز باشد. می‌توان به جرأت گفت چنین ظرفیتی با توجه به میراث فرهنگی ارزشمند ارامنه در ایران و خاطره جمعی مثبت آنان از ایران به سادگی وجود دارد. با محقق کردن این ظرفیت‌ها، حساسیت سازمان‌های دیاسپورای ارمنی به ایران افزایش می‌یابد.

قطعاً با برقراری روابط گسترده‌تر با دیاسپورای ارمنی در سراسر جهان و افزایش جذابیت ایران برای آنان، تصویر بهتری از ایران در نتیجه تأثیرگذاری آنان بر افکار عمومی جهانیان پدید خواهد آمد. ایران، زادگاه بسیاری از ارامنه ساکن در غرب، به ویژه آمریکاست و ارمنستان تنها وطن نمادین آن‌ها به شمار می‌رود. بنابراین این گروه می‌توانند کار ویژه دیاسپورایی میانجیگری میان میهن و میزبان (ایران و غرب) و تنظیم روابط میان آن‌ها را بر عهده بگیرند. در واقع، نفوذ گسترده لابی ارامنه در آمریکا و اروپا، فرصت بی‌نظیری برای ایران است؛ با توجه بیشتر به خواسته‌های ایرانیان ارمنی و تلاش برای رفع نگرانی‌ها و دغدغه‌های آنان می‌توان حمایت لابی قدرتمند ارامنه اروپا و آمریکا را بیشتر جلب کرد.

دشواری‌های فراوان موجود در روابط ایران و غرب و انزوای بین‌المللی ایران، توجه ویژه به چنین فرصتی را ضروری می‌سازد. حضور پررنگ‌تر ارامنه در ساختار سیاسی و بنابراین مشارکت بیشترشان در اداره کشور چنان که خواست خود آن‌ها نیز هست به ادغام بیشتر آنان درون جامعه بزرگ‌تر ایرانی کمک می‌کند و با کاهش احساس انزوای این اقلیت، مانع مهاجرت بیشتر ارامنه می‌شود که سرمایه ارزنده‌ای برای ایران‌اند. در مجموع می‌توان گفت آنچه تاکنون به دلیل حضور دیاسپورای ارمنی و پیوند آنان با ایران، در سیاست داخلی و خارجی نصیب کشورمان شده است فرصت به شمار می‌رود. امکان بهره‌برداری بیشتر از توانمندی‌های این گروه و بالفعل کردن بیشتر ظرفیت‌های موجود را می‌توان فراهم کرد. تقریباً همه تهدیدهایی که از آن‌ها یاد کردیم جنبه بالقوه و احتمالی دارد، در حالی که فرصت‌های موجود در مناسبات با دیاسپورای ارمنی تاکنون نیز تا اندازه زیادی ملموس بوده و تحقق یافته است. آنچه اهمیت دارد زمینه‌سازی برای بهره‌برداری بیشتر و بهتر از فرصت‌هاست.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اوسانچوا، مارینا (۱۳۹۱/۴/۷)، «بزرگترین دیاسپورای ارمنی جهان: دیاسپورای روسیه و علل پراکندگی آن»، ترجمه نسیم نجفی، سایت انسان شناسی و فرهنگ، <http://anthropology.ir/node/14513> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۵/۲۰).
۲. آبراهامیان، گایانه (۱۳۸۹)، «کوچ ارمنیان ایران به ارمنستان»، دوهفته نامه هویس، شماره ۹۱. http://oldfarsi.hooy.com/Aramaneyeye_Iran/ (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۵/۲۵).
۳. انسان‌شناسی و فرهنگ (۱۳۹۲/۳/۱۸)، «انتخابات، ارامنه ایران و مطالبات آنها»، <http://anthropology.ir/node/18767> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۵/۲۹).
۴. انسان‌شناسی و فرهنگ (۱۳۸۹/۱۱/۲۳)، «بحران سیاسی لبنان و جایگاه ارامنه در معادلات سیاسی آن کشور»، <http://anthropology.ir/node/8614> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۵/۲۰).
۵. تاریخ شفاهی (۱۳۹۳/۴/۲۵)، «تصویب لایحه آموزشی قتل عام ارامنه در مجلس ایالتی کالیفرنیا»، <http://www.ohwm.ir/show.php?id=2295> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۵/۴).
۶. خبرگزاری میراث فرهنگی (۱۳۹۳/۱/۱۶)، «گردشگران ایرانی فرشته نجات پول ارمنستان شدند»، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰) <http://www.chn.ir/NSite/FullStory/News/?Id=109579&Serv=0&SGr=0>
۷. روزنامه آلیک (۱۳۹۲/۸/۲۰)، «به پیشنهاد اسقف اعظم سبوه سرکیسیان، شورای جهانی کلیساها، آمریکا، کشورهای غربی را ملزم کرد تا به تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران پایان دهند»، <http://www.alikonline.ir/fa/fa/news/social/item/215> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۵/۳۰).
۸. روزنامه آلیک (۱۳۹۳/۳/۲۹)، «تجمع اعتراض آمیز ارامنه تهران در محکومیت کشتار مردم بی دفاع سوریه»، <http://www.alikonline.ir/fa/fa/news/social/item/414> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۵/۱۸).
۹. روزنامه آلیک (۱۳۹۳/۵/۳۰)، «پیام به کنگره ارامنه در قره‌کلیسا»، <http://www.alikonline.ir/fa/fa/news/social/item/540> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۶/۲).

1. Integration

۱۰. سایت تحلیلی خبری همصدا (۱۳۹۲/۱/۱۷)، «کاهش شدید گردشگران نوروزی ایران در ارمنستان»، <<http://www.hamseda.ir/fa/pages/?cid=7102>> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵).
۱۱. سلیمی، حسین (۱۳۸۶)، «نگرشی سازه انگارانه به هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۳، صص. ۳۱-۵۳.
۱۲. سیدامامی، کاووس (۱۳۸۷)، «هویت های قومی از کجا برمی خیزند؟: مروری بر نظریه های اصلی»، فصلنامه خط اول، سال دوم، شماره ۷، صص. ۱۵-۲۳.
۱۳. طبیبیان، جیوان (۱۳۹۰)، «مخاطرات دموکراتیزه کردن تشکیلات دیاسپورای ارمنی»، ترجمه روبرت صافاریان، دوهفته نامه هویس، شماره ۱۱۴، http://oldfarsi.hooy.com/Aramaney_Iran/ (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۲/۱۵).
۱۴. صافاریان، روبرت (۱۳۹۱)، «ارامنه کی و چطور به ایران آمدند؟ دوره پیش از شاه عباس صفوی»، دوهفته نامه هویس، شماره ۱۲۲، http://oldfarsi.hooy.com/Aramaney_Iran/ (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۵/۲۰).
۱۵. فرهنگ امروز (۱۳۹۳/۷/۱۶)، «حداد عادل: وجود ارامنه در ایران به بهبود روابط ایران و ارمنستان کمک کرده است»، <<http://farhangemrooz.com/news/22964>> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵).
۱۶. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۷. هویس (۱۳۹۲/۴/۲۲)، «لابی ارامنه در آمریکا»، <http://farsi.hooy.com/?p=1163> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۴/۳۰).

ب) خارجی

18. Armenia Now (5/3/2013), "Russian-Armenian beats U.S.-Armenian on latest Forbes billionaire list", http://www.armenianow.com/news/44117/armenian_samvel_karapetyan_kirk_kerkorian_billionaire_forbes_list (accessed on: 2/19/2015).
19. Armenian Revolutionary Federation, "In the Diaspora", <http://www.arfd.info/the-arf-d-in-the-diaspora/> (accessed on: 5/20/2014).
20. Asbarez (9/14/2012), "Baku Blames Armenian Lobby for EU Resolution", <http://asbarez.com/105405/baku-blames-armenian-lobby-for-eu-resolution/> (accessed on: 12/30/2014).
21. Astourian, Stephan H. (2005), "State, Homeland and Diaspora: The Armenian and Azerbaijan Cases", pp. 80-112 in Central Asia and the Caucasus Transnationalism and Diaspora, Edited by Touraj Atabaki and Sanjyot Mehendale, London & New York: Routledge.
22. Bournoutian, George A. (1994), "A History of the Armenian People, Vol. 2", http://www.iranchamber.com/people/articles/armenians_in_iran2.php (accessed on: 8/2/2014).
23. Chakhalyan, Hasmik (2007), The Role of the Armenian Diaspora in Homeland Economic Development: Challenges and Opportunities, Thesis for the Degree of M.A. Central European University, Budapest, <http://www.etd.ceu.hu>
24. Clunan, Anne L. (2012), "Constructivism's Micro-Foundations: Aspirations, Social Identity Theory and Russia's National Interests", delivered at American Political Science Association Annual Meeting.
25. Eurasianet (2/13/2015), "U.S. Jewish Groups Back Azerbaijan Despite Rights Concerns", <http://www.eurasianet.org/node/72071> (accessed on: 2/19/2015).
26. Gyulumyan, Gohar (2008), "Enhancing the Role of the Diaspora in Promoting Armenia's Sustainable Development", Duke Center for International Development, http://www.aiprg.net/UserFiles/File/annual08/papers/Gohar_Gyulumyan.pdf.
27. Handbook for Armenians Abroad (2012), International Labour Organization, [http://www.ilo.org/dyn/migpractice/docs/58/Handbook\[1\].pdf](http://www.ilo.org/dyn/migpractice/docs/58/Handbook[1].pdf).
28. Hergnyan, Manuk & Anna Makaryan (2006), "The Role of the Diaspora in Generating Foreign Direct Investments in Armenia", Economy and Values Research Center, <http://www.ev.am>.
29. Laguerre, Michel S. (2006), Diaspora, Politics and Globalization, New York: Palgrave macmillan.

30. Meral, Ziya (2012), "Iran, Armenians and Armenia", http://www.thecommentator.com/article/796/iran_armenians_and_armenia (accessed on: 8/2/2014).
31. Minoian, Victoria & Lev Freinkman (2005), "Armenia: What Drives First Movers and How Can Their Efforts Be Scaled up?", World Bank Institute, <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/10010>
32. Ralchev, Stefan (2010), "Waiting on the Protocols: Armenian-Turkish Relations and Possible Areas of Cooperations", <http://www.iris-bg.org> (accessed on: 20/2/2012).
33. Stepanian, Karen (2010), "Armenians Torn Over Emigration from Iran", <http://iwpr.net/report-news/armenians-torn-over-emigration-iran> (accessed on: 8/2/2014).
34. Tert.am (5/3/2013), "World's Richest Armenians According to Forbes; Kerkorian No Longer Leads List", < <http://www.tert.am/en/news/2013/03/05/forbes-richest-armenians/717850>> (accessed on: 2/19/2015).
35. The Hill (1/14/2013), "Christian Armenia and Islamic Iran: An Unusual Partnership Explained", < <http://thehill.com/blogs/congress-blog/foreign-policy/276961-christian-armenia-and-islamic-iran-an-unusual-partnership-explained>> (accessed on: 2/19/2015).
36. Turkish Weekly (10/17/2007), "Russia Finger Inside Capitol Hill: Armenian Lobby", <http://www.turkishweekly.net/op-ed/2293/russian-finger-inside-capitol-hill-armenian-lobby.html> (accessed on: 12/15/2014).
37. Van Gorder, Christian (2010), *Christianity in Persia and the Status of Non-Muslims In Iran*, Plymouth: Lexington Books.
38. Varadarajan, Latha (2010), *The Domestic Abroad*, New York: Oxford University Press.
39. Zehfuss, Maja (2004), *Constructivism in International Relations: The Politics of Reality*, Cambridge: Cambridge University Press.

Archive of SID